وزارت بازرگانی

سازمان تعاون مصرف شهر و روستا

از شهر و روستا با اطمینان خرید نمائید

موشح

"فقه" و "هدایه"

"سیوطی"

"ابن عقیل"

فروشگاه‌های زنجیره‌ای

شهر و روستا

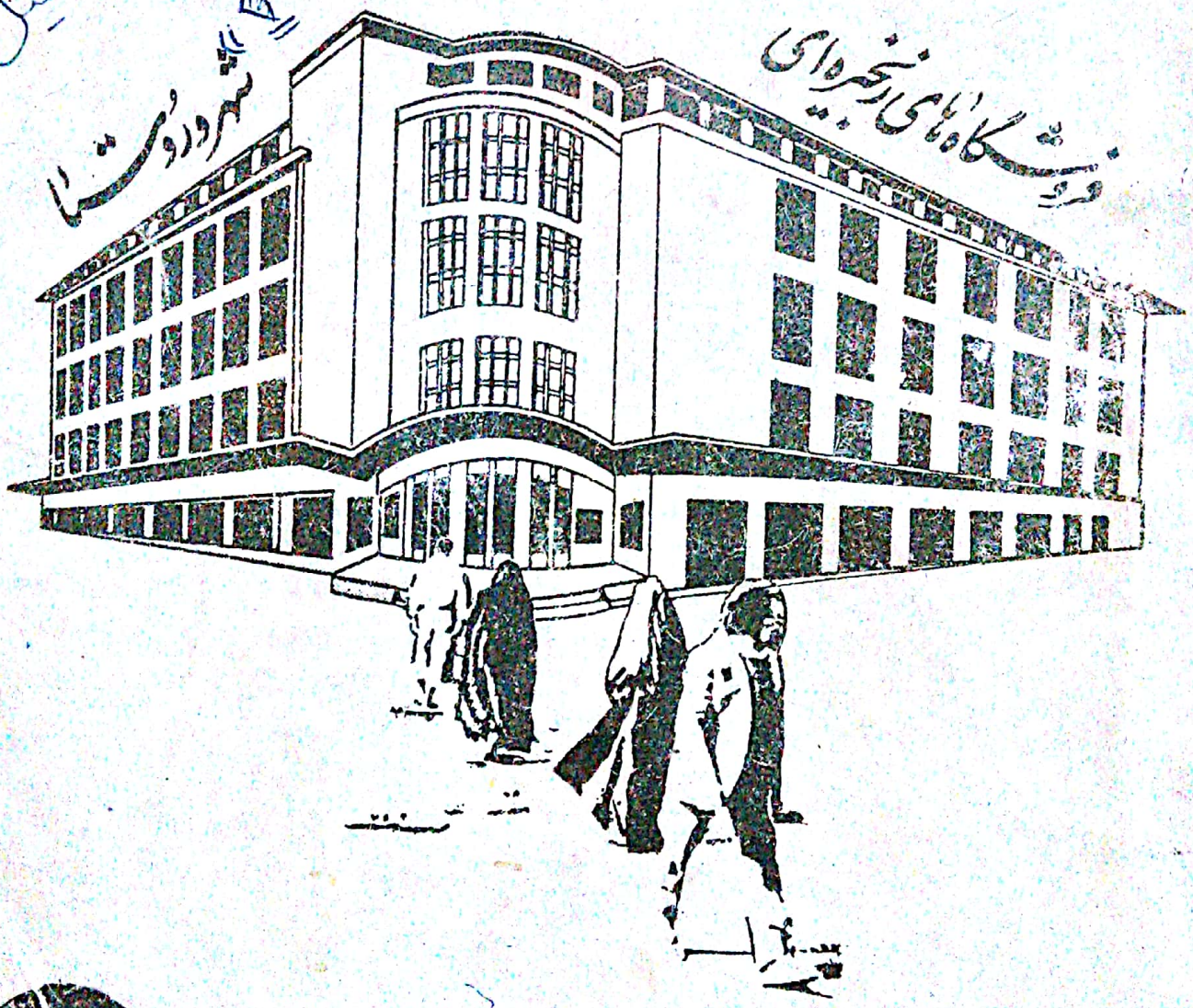

۱۰۲

سازمان تعاون مصرف شهر و روستا

Scanned by CamScanner

۷۶/۷/۲ بسمه تعالی

- **اقوی** اینست: بنابراین فتوای صریح مجتهد است و مقلد باید به آن عمل کند.
- **بعید** نیست: 〃 〃 〃 〃 〃 〃 〃 〃 〃 〃
- **بعید** است: 〃 عدم فتوا است، فتوای مجتهد مطابق با آن نیست.

واجب:
- عینی: همه مکلفین باید آنرا انجام دهند.
- کفائی: با انجام دادن عده‌ای از دیگران ساقط می‌شود.
- تعبدی: نیاز به قصد قربت دارد.
- توصلی: نیاز به قصد قربت ندارد.
- نفسی: عمل واجبی که به تنهایی یک تکلیف واجب است.
- غیری: عملی که به عنوان مقدمه واجبی انجام می‌گیرد.
- مطلق: واجبی که فقط مشروط به شرایط عمومی باشد (بلوغ، عقل، قدرت)
- مشروط: هر واجبی که شرط اختصاصی داشته باشد. {این امر نسبی است}
- تعیینی: بدل و جایگزین ندارد.
- تخییری: 〃 〃 دارد و انسان مخیر است.

اجتهاد: تلاش برای استنباط و استخراج مسائل شرعی از منابع آن.

منابع فقه:
- کتاب: نص صریح قرآن باشد.
- سنت: قول یا فعل یا تقریر معصوم باشد.
- اجماع: علمی بر آن اتفاق داشته باشند.
- عقل: عقل آن را به روشنی قبول کند. (عقل کامل)

Scanned by CamScanner

- تقریر: تثبیت کردن شرط تقریر عدم تقیه است.

اجماع در نزد شیعه به خودی خود ارزش ندارد (برخلاف اهل سنت)، زمانی ارزش دارد که از قول امام معصوم (ع) کشف کند (یعنی بر تفسیر روایات اجماع شود).

مقدمات اجتهاد:

۱- علوم عربی (صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، لغت)

«شیوه ساخت کلمات» «خصوصیات معنوی کلمه را بررسی می کند» «جمله سازی» «شناخت معانی لغات»

۲- منطق (به ما یاد می دهد چگونه در راه حق دچار اشتباه نشویم.)

علم با ارزش است ← ۳- اصول فقه (پایه اجتهاد است و می آموزیم که احکام چگونه باید استنباط شود)

۴- رجال (شناخت راویان احادیث و روایات)

۵- درایه (متکی به خود حدیث پرداخته و علم فهمیدن روایت است)

۶- علوم قرآن (علم تفسیر و شأن نزول آیات)

۷- آشنایی با زبان مردم آن عصری که روایت در آن زمان وارد شده است

۸- به با نظرات گذشتگان برای اینکه نظر ما برخلاف اجماع گذشتگان نباشد.

۹- بررسی فتاوای اهل سنت علی الخصوص در موارد متعارض برای فهم بهتر احادیث

۱۰- تمرین در استنباط تا فرد مسلط گردد بر علوم فقه.

- مجتهد کامل: (مجتهد مطلق) قدرت استنباط احکام را در تمام ابواب فقه دارد.

- مجتهد ناقص: (متجزی) فقط در یک یا چند باب می تواند استنباط نماید.

- اگر مجتهدی فقه و احکام را مطابق با حکم خدا استنباط کرد دو اجر دارد و بر خود و مقلدینش انجام آن واجب است

- و اگر تلاش کرد ولی صحیح نبود یک اجر دارد و باز هم بر خود و مقلدینش واجب است.

Scanned by CamScanner

«بحمده تعالی»

۷۶/۷/۷

* در واجب عینی کسی نمی تواند به جای کس دیگری انجام دهد ولی در واجب تعیینی عملی را می تواند به جای عمل دیگری انجام دهند.

— اظهر: بنابر فتوای مجتهد است و مقلد باید به آن عمل کند.

— اقرب: " " " " " مگر اینکه قرینه ای بر خلافش باشد.

— مورد اشکال است: در این حالت می توان عمل به احتیاط نمود و یا به مجتهد دیگر مراجعه کرد.

— تقلید: عمل به اجتهاد یک فقیه. تقلید در تمام موارد فقهی است، چه واجب و چه مستحب و...

شرایط مرجع:

اجتهاد، عقل، بلوغ، عدالت، مرد بودن، زنده بودن، حلال زاده، شیعه اثنی عشری

عدالت رفتن به سوی تقوی است، عدم ارتکاب گناه کبیره و عدم اصرار بر گناه صغیره، اثبات عدالت به حسن ظاهر است. — در خواندن نماز ملاک علم تجویدی نیست ملاک عرف عربها است. —

شروط باقی ماندن بر مجتهد میت:

① عمل کردن به بعضی از مسائل او قبل از فوتش.

② هنوز هم اعلم بودنش باقی باشد.

③ مجتهد اعلم زنده جواز دهد بر تقلید از میت.

راههای شناخت اعلم:

① داشتن قدرت شناخت و یافتن اعلم

② داشتن شهرت حقیقی بین مؤمنین به اعلم بودن

③ شهادت دو نفر اهل خبره و اهل فن (به شرط آنکه دو نفر دیگر همردیف اینها مجتهد دیگری را اعلم ندانند)

Scanned by CamScanner

اگر بین دو نفر که به اعلم بودن یکشان اطمینان داریم، اما نمی دانیم کدام:

نظر امام (ره): باید عمل به احتیاط کنیم. ولی اگر احتیاط ممکن نبود یکی را اختیار می کنیم.

نظر سایر مراجع: نیازی به احتیاط نیست، می شود به هر کی مراجعه کرد.

بسمه تعالی

۷۶/۷/۸

ـ احکام وضعی: (احکامی که همه در وضعی بودن آنها اتفاق دارند)

شرطیت، مانعیت، جزئیت، علیت، صحت، فساد، بطلان، طهارت، نجاست

ـ احکام خمسه:

وجوب، حرمت، استحباب، کراهت، اباحه

هر حکمی که دلالت بر اقتضاء و تخییر نکند، حکم تکلیفی است که منطقه تا بالا دلالت می کند.

وضعی بودن «حرمت» و «حلیت» مورد اختلاف است.

حکم تکلیفی حکمی است که تکلیفی را بر مکلف وارد می کند.

وضعی از طرف شیء به مکلف نگاه می کند، یعنی شیء در مقابل مکلف چه وضعی دارد.

چون من پیش از تکلیف چندین بار به رساله امام مراجعه کرده بودم و یکبار هم تمام آنرا خوانده بودم، و از طرفی امام هنوز هم اعلم محسوب می شود و رهبر هم که در حال حاضر اعلم می باشد جواز مانند بر مجتهد مرده اعلم بعد از تکلیف را صادر کرده اند (از طریق این استاد مطلع شدم)، لذا می توانم به امام بازگردم و من بعد مقلد ایشان باشم، لذا

من هذا الیوم انا مقلد الخمینی.

والسلام. ولی چون شدول از مجتهد زنده به مجتهد مرده حتی اگر قبلاً از مرده تقلید می کرده جایز نیست لذا نمی شود، پس به امام خامنه ای باقی می ماند.

Scanned by CamScanner

۲
۲
۴
۴
۴
۴
۴
۴
۲
۴
۴
۱۱
۴۸

راههای بدست آوردن فتوا:

① شنیدن از خود مجتهد که افضل است.

② 〃 〃 دو نفر عادل و یا یک نفر عادل.

③ 〃 〃 یک نفر مورد اطمینان که سهل الوصول تر است.

④ دیدن در رساله مجتهد که اشتباه نداشته باشد.

جدول:

عقبی اعلم به اعلم — احتیاط واجب است.

اعلم به اعلم متساوی العلم — اگر به فتوای او عمل نکرده باشد مجاز است.

اعلم به غیر اعلم — جایز نیست.

اعلم که اهلیت فتوی ندارد به اعلم — واجب است.

اعلمی که شرطی را از دست داده باشد 〃 〃.

اعلم به اعلمی بالاتر از او — احتیاط 〃.

مجتهد مرده به زنده — 〃 مستحب 〃.

〃 زنده 〃 مرده — جایز نیست.

" بنابر احتیاط، واجب است " فتوی است، و گاهی به جای احتیاط واجب هم بکار می رود.

" بسمه تعالی "

۷۶ ر ۷ ر ۹

— مجزی نیست: کفایت نمی کند و تکلیف ساقط نمی شود.

— مخیر است: بین که فتوای مجتهد است و مقلد باید یکی از دو طرف یا بیشتر را انتخاب کند.

— محل اشکال است: این جمله در مواردی به کار می رود که مرجع نظر قطعی خود را ابراز نکرده است، در این موارد

مقلد می تواند احتیاط نماید یا به مرجع دیگری مراجعه نماید.

فرق تئوری بین دو احتیاط:

در احتیاط واجب بیان می کند که فتوی داده نمی شود ولی در احتیاط مستحب حتماً ابتدا فتوا داده و احتیاط را بعد از فتوا بیان می کند.

فرق عملی بین دو احتیاط:

در احتیاط واجب یا باید به احتیاط عمل کند و یا به اعلم بعد از او مراجعه کند ولی در احتیاط مستحب مراجعه جایز نیست بلکه یا باید به فتوی عمل کند و یا به احتیاط بعد از آن.

تفاوت حکم و فتوی:

«فتوی» بیان حکم خداست.

«حکم» حاکم دستور به اجرای یک حکم شرعی است به خاطر مصلحت.

وظایف انبیاء و امامان:

① بیان احکام الهی ② رهبری جامعه و اجرای احکام اسلامی

خصوصیت مهم فتوا: فتوا فقط برای خود مجتهد و مقلدین آن مجتهد لازم الاجراء است و نه دیگران.

به خاطر این خصوصیت فتوا نمی توان با تکیه تنها با آن حکومت اسلامی را اداره کرد لذا «حکم» هم وجود دارد که برای تمام افراد جامعه لازم الاجراء است.

انواع حکم:

① دستور به اجرای یک حکم شرعی ⑤ تعیین مکان اجرای یک حکم شرعی

② تعیین مصداق 〃 〃 〃 ⑥ الزام به انجام یا ترک کاری به خاطر مصلحت

③ 〃 موضوع 〃 〃 〃

④ 〃 وقت 〃 〃 〃

Scanned by CamScanner

بسمه تعالی

۷۶/۷/۱۲

— محل تأمل است: به معنای «محل اشکال است» می‌باشد. (عدم فتوی است)

— ظاهراً: بیانگر فتوای مرجع تقلید است.

— ظاهر اینست: 〃 〃 〃 〃 〃

— استیذان: اجازه خواستن.

— بقاء بر تقلید میت: باقی ماندن بر تقلید مجتهدی که از دنیا رفته است.

— استطاعت بذلی: توانایی‌ای که در اثر بخشش مخارج سفر حج از طرف کسی برای انسان بوجود می‌آید.

— اعلم: به مجتهدی گفته می‌شود که علم او از مجتهد دیگر بیشتر است.

— الاعلم فالاعلم: 〃 〃 〃 〃 بعد از مجتهد اعلم است.

— شرط ضمان عیب حادث: در یک معامله فروشنده ضمانت می‌دهد که اگر در جنس عیبی پیدا شد معامله فسخ است.

— اجحاف شرعی: به مسائلی که در عرف مردم اجحاف نیست ولی در شرع اجحاف است و حرام (مثل ربا)

— مستثنیات دین: لوازمی که دادگاه حق ندارد بفروشد و به طلبکار بدهد (مثل خانه)

در چه صورت گمان معتبر است:

① گمان از گفته مسائل رساله بدست آمده باشد.

② 〃 از رساله بدست آمده باشد.

یقین	ظن	شک	وهم (یا احتمال)
٪۱۰۰	٪۸۰	٪۵۰	٪۳۰

فقط یقین معتبر است و اطمینان که اطمینان ٪۹۰ به بالا است.

وکالت

کاری که فرد خودش می‌تواند انجام دهد و به دیگری واگذار می‌کند.

وصایت

شخصی دیگری را در انجام بعضی از امور جانشین خودش قرار بدهد که در نبود او کارش را انجام دهد.

اجاره

کسی را اجیر می‌کند تا کاری را انجام دهد و فقط نفس انجام کار مهم است، مثلاً باغ آجرها را بیاورد حالا هر طور که خودش بخواهد و خود موجر توانایی ندارد.

Scanned by CamScanner

زید ← عمر ← بکر

(زید می‌گوید: این کار را از طرف من انجام بده) وکیل یا وصی

به بکر ضرر وارد شده است و بکر زید را مسئول می‌داند و البته زید هم عمر را مسئول می‌داند ولی طرف حساب خود زید است.

زید ← (تفویض) عمر ← بکر

(زید می‌گوید: این کار را برای من بکن) اجیر

در اجاره، اشخاص طرف حساب خود اجیر است چون وظیفه و مسئولیت تمام و کمال به اجیر سپرده شده است.

«وکیل یا وصی» چون از خود اختیار ندارند لذا باید عمل را طبق فتوای مجتهد موکلش عمل کند.

«اجیر» چون اختیار دارد لذا باید طبق فتوای مجتهد خود عمل نماید.

۷۵/۷/۱۳

«بسمه تعالی»

«نیابت» نوعی از «اجاره» است.

(۲) و (۴): نائب باید طبق فتوای مرجع خود انجام دهد مگر اینکه منوب عنه شرطی بگذارد.

خالی از قوت نیست: این عبارت در حکم فتوا دادن مجتهد است و مقلد باید به آن عمل نماید.

خالی از وجه نیست: منظور آن است که مرجع در مورد فتوا دادن است ولی فتوای قطعی نمی‌دهد.

خالی از اشکال نیست: نشان آن است که مرجع تقلید فتوا ندارد.

هزار و یک نکته، حسن زاده آملی — هزار و یک کلمه، حسن زاده آملی ج ۲

انسان و قرآن، حسن زاده آملی

در مورد تفسیر سوره قدر و نسبت دادن لیلة القدر به حضرت فاطمه زهرا (س).

کتب عرفانی در مورد مسائل نماز و اسرار آن:

اسرار الصلاة امام (ره) — آداب الصلاة امام (ره)

اسرار الصلاة ملکی تبریزی — اسرار الصلاة قاضی سعید قمی

اسرار الصلاة جوادی آملی — اسرار عبادة جوادی آملی

Scanned by CamScanner

مقدمات : قبل از نماز ـــــ طهارت ـــ باطنی : وضو است (نیاز به قصد قربت دارد)

مقارنات : همراه نماز ـــ ظاهری : لباس نجس نباشد (نیاز به قصد قربت ندارد)

مبطلات : اسباب بطلان نماز

سه چیز طهارت را حاصل می‌کند : وضو غسل تیمم

همیشه در احکام "دقت عرفی" اهمیت دارد و نه "دقت عقلی".

بسمه تعالی

۷۶/۷/۱۵

— سن بلوغ : سنی که در آن انسان به تکلیف شرعی می‌رسد. در پسرها بعد از ۱۵ سال قمری و در دخترها ۹ سال قمری

— سال قمری : ۳۵۴ روز و ۹ ساعت است که ۱۰ روز و ۱۱ ساعت از سال شمسی کوتاه‌تر است و یک دور چرخیدن ماه به دور زمین است.

روش بدست آوردن سال قمری از روی سال شمسی :

= ۱) روش ساده‌ای ندارد بلکه باید به ازای هر سال شمسی ۱۰ روز و ۱۸ ساعت کسر کرده

ملاک یکبار شستن اعضای وضو شستن کامل است. (فتوای امام)

ملاک یکبار شستن اعضای وضو قصد یکبار شستن است. (فتوای دیگران)

در فقه و فتوای امام در مورد مسح سر هم می‌توان از پایین به بالا هم مسح کرد.

(به پهنای ۳ انگشت بستم) مقدار مسح سر (به طول یک انگشت) $\frac{1}{4}$ است

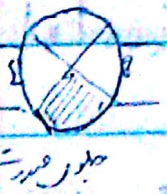

جلو صورت

خشک بعد از وضو باطل است ولی شک حین وضو اگر کثیر الشک نباشد باید به شک عمل کند.

Scanned by CamScanner

"بسمه تعالی"

۷۶/۷/۱۶

"سنن بلوغ" یکی از راههای اثبات بلوغ است و راه دیگری هم وجود دارد که از راههای طبیعی مشخص گردد: مثلاً در بانوان از قاعدگی و در مردان از احتلام و یا روئیدن مو.

وضوی ارتماسی:

* نیت آن باید مثل وضوی معمولی رعایت گردد.
* شستن از بالا به پایین باید حاشیه وضوی معمولی رعایت گردد.

- برای انجام عمل بالا باید دست راست و سر را هنگام فرو بردن در آب از آرنج و پیشانی شروع کند.

* خارج کردن دست همیشه باید با نیت باشد.
* داخل کردن دست می‌تواند (طبق فتوای امام) بی نیت هم باشد.

دست چپ را نمی‌توان به صورت وضوی ارتماسی شست و باید ترتیبی باشد (مورد اختلافی بین مراجع است)

علت اختلاف: "انسان وقتی می‌خواهد مسح کند، باید با آب وضو باشد" (ولی امام چیزی داشتند)

و بعضی می‌گویند آب ارتماسی آب وضو نیست، پس باید دست چپ را ترتیبی شست تا بتوان با یک دست مسح کرد (که اکنون دارای آب وضو است، چون دست چپ با آن شسته شده است) مسح سر و پای راست را انجام داد و بعد هم با دست چپ مسح پای چپ را انجام داد.

اما آب ارتماسی را آب وضو می‌دانند لذا دست چپ را می‌توان ارتماسی شست.

* کسی که نماز یا وضویش به علت جهل به مسائل شرعی باطل بوده است و تقصیری هم ندارد باید تمام نمازهایش را قضا کند ولی اگر مقصر بوده معصیت هم کرده است.

Scanned by CamScanner

بسمه تعالی

۷۶/۷/۱۹

کدام انگشت در مسح پا باید مبنا قرار گیرد؟

اغلب علما انگشت شست پا را ملاک عمل می‌دانند.

شرایط:

آب وضو: پاک ، مباح ، مطلق

ظرف آب: مباح ، طلا و نقره نباشد

اعضای وضو: پاک ، مانعی در برابر آب نباشد

کیفیت وضو: ترتیب ، موالات ، شخصاً انجام دهد

متوضئ: آب برایش مضر نباشد ، قصد قربت داشته باشد.

* اگر غاصب با آب غصبی وضو بگیرد و نداند یا فراموش کرده باشد که غصبی است ، صحیح است.
* وضو با آب مضاف چه عالم و جاهل چه سهواً و چه عمداً وضو بگیرد ، باطل است.
* اگر ظرفی به جز طلا و نقره نداشته باشد باید تیمم کند و وضو صحیح نیست ، البته امام می‌گوید با منت اگر آب بردارد صحیح است.
* بعضی وضو گرفتن در زمین غصبی (مکان وضو) را هم موجب بطلان می‌دانند.

— ولی شرعی طفل: کسی است که سرپرستی طفل را به عهده دارد که پدر و جد پدری است و در صورت نبود آنان کسی است که از طرف حاکم شرع معین می‌شود.

— ولی مقتول: مراد کسی است که از مقتول ارث می‌برد.

* اصل عدم رضایت صاحب آب است مگر اینکه محرز شود صاحب آب راضی است.

Scanned by CamScanner

بسمه تعالی

۷۶/۷/۲۰

(۵۳) و ① : در وضوی ترتیبی لازم است که از آغاز تا پایان نیت وضو داشته باشد ولی در وضوی ارتماسی نداشتن نیت در هنگام فرو بردن دست در آب و یا هنگام فراغت از امحال به وضو لطمه نمی‌زند. به طور کلی هنگام مسح بدن باید ساکن باشد یعنی حرکت نکند.

بسمه تعالی

۷۶/۷/۲۱

(۵۸) و ⑥ : باید آن را که کمتر وقت می‌گیرد (احتمالاً تیمم) انجام دهد.

~ وضوی جبیره‌ای :

روغن چه؟

در محل شستن { — روی زخم باز است ، آب ضرر دارد ، باید اطرافش را بشوید.
— " " " " " ندارد ولی نجس است ، باید اطرافش را بشوید.

در محل مسح { — " " " " " " " " " " " " " ، پارچه بگذارد و مسح کند.
— " " " " " " " " " " " " " و پارچه نمی‌توان گذاشت ، تیمم کند.

احتیاط واجب وضوی بدون مسح هم بگیرد.

بسمه تعالی

۷۶/۷/۲۲

سیزدهمین جلسه اول کلاس با حضور نداشتم.

وضو یک امر یقینی است و باید به گرفتن آن یقین پیدا کرد تا صحیح باشد.

شک بعد از فراغ باطل است مگر در بعضی موارد.

— دلایل گرفتن وضو :

① شرط صحت عمل — ④ شرط کمال عمل

② شرط جواز عمل — ④ رفع کراهت عمل

Scanned by CamScanner

بسمه تعالی

۷۶/۷/۲۳

یکشنبه ۷/۲۷ امتحان تا درس ۱۰

(۳) و (۴): یا باید آنرا برطرف کند و یا آب را به جای آن برساند.

شرایط واجب شدن غسل مس میت: (۱) هنوز میت را غسل نداده باشند.

(۲) بدنش هنوز گرم نباشد و سرد شده باشد.

بسمه تعالی

۷۶/۷/۲۶

* اگر بداند مادّه خارج شده منی است ولی هیچ یک از سه شرط را نداشته باشد، باید بنا را بر منی بگذارد.

در مورد حیوان نجاست خوار ← مدت معینی فقط حلال بر او خوراندن می‌شود.

استبراء:
- بعد از جنابت ← بول کند.
- بعد از بول ← اعمال خاصّی را باید انجام دهد که سه بخش است و هر کدام سه مرتبه انجام می‌شود.

انواع رطوبت که از بدن خارج می‌شود:
- قبل از جنابت خارج می‌شود: در هر صورت اگر با آن سه شرط نباشد پاک است.
- هنگام جنابت خارج می‌شوند: فقط این مورد نیاز به غسل دارد.
- بعد از جنابت خارج می‌شود: اگر بول کرده باشد و غسل هم کرده باشد، پاک است.

* مستحب است بعد از جنابت، بول کند و بعد غسل نماید، در این صورت بعد از غسل اگر رطوبتی خارج شود پاک خواهد بود.

محرمات بر جنب: (۱) لمس خط قرآن، اسم خداوند، انبیا، رسل و ائمه

(۲) دخول به مسجد الحرام

(۳) توقف در مساجد

(۴) قرار دادن چیزی در مسجد

(۵) خواندن سوره‌هایی از قرآن که سجده واجب دارند

(۶) توقف در حرم امامان

* غسلخانه، مؤسسات و ادارات حکم مسجد را ندارند.

Scanned by CamScanner

* در غسل شرط موالات و اینکه باید به پایین شستن نیست.

* با یک غسل می‌توان چند نیت غسل کرد.

* غسل جنابت و ابر غاز کفایت می‌کند و وضو نمی‌خواهد

مهارت نفسی امتحانات

— حالتهایی که می‌توان وضوی جبیره‌ای گرفت:

① در اعضای شستن، روی آن باز است، آب ضرر دارد، شستن اطرافش ممکن نیست

② 〃 〃، روی آن بسته 〃، باز کردن ممکن است ولی ضرر دارد، شستن اطرافش ممکن نیست

③ 〃 〃، 〃 〃، 〃 〃، 〃 نیست، زخم پاک است ولی باز کردنش مشقت دارد

④ 〃 〃، 〃 〃، 〃 〃، 〃 〃، زخم نجس است، آب ضرر ندارد

⑤ 〃 〃، 〃 〃، 〃 〃، 〃 〃، آب ضرر دارد.

⑥ در اعضای مسح، جایی برای مسح باقی نیست، مسح ضرر دارد.

⑦ 〃 〃، 〃 〃، 〃 〃، 〃 ندارد، روی آن بسته است و باز کردن ممکن نیست

* از ⑭ حالت که ممکن است رخ دهد، ⑦ حالت آن را می‌توان وضوی جبیره‌ای گرفت.

— تفاوت وضوی بالغ و طفل:

① کودک گاهی مورد خطاب قرار می‌گیرد (باید خواست بشود)

② 〃 باید از بلوغ یا احتلام آشنا می‌کند.

③ مسئول اعمال کودک ولی اوست

④ کودک پاداش و تنبیه دارد.

Scanned by CamScanner

«بسمه تعالی»

۷۶/۷/۲۸

(۷۶) و (۳) : اگر مقدار آن زیاد باشد پس نجس است و جنب شده است ولی اگر کمتر باشد ممکن است یکی از آن چهار آب دیگر باشد پس جنب محسوب نمی‌شود.

کراهت در خواندن قرآن به معنی کمتر بودن ثواب قرائت آن است نه به معنی اینکه نخواند بهتر باشد.

موارد تیمّم:

(۱) آب نباشد (یا در دسترس نباشد)

(۲) آب برای انسان ضرر داشته باشد

(۳) اگر آب کم باشد و نیاز به خوردن آب

(۴) بدن یا لباس نجس است و آب فقط به اندازه تطهیر دارد نه بیشتر.

(۵) وقت برای وضو یا غسل ندارد مطلبی که نماز یا مقدماتی از آن بعد از وقت خراب شود.

* جستجو کرده و پیدا نکرده، تیمم کرده و نماز خوانده و بعد از نماز آب پیدا، نمازش صحیح است.

* اما اگر یقین داشت آب هست و جستجو نکرد و نمازش را خواند و بعد آب یافت نمازش صحیح نیست.

۷۶/۷/۳۰

«بسمه تعالی»

* تیمم بر موزائیک صحیح است، بر بتون صحیح نیست، بر خشت صحیح است، بر کاشی صحیح نیست و بر کوزه صحیح است.

(۹۵) و (۴) : تا آنجا که می‌تواند خود انجام دهد، در صورت عدم امکان نایب بگیرد.

نجاسات ۱۱ چیز است. (۱) ادرار، بول (۲) غائط (۳) منی (۴) مردار (۵) خون (۶) سگ (۷) خوک (۸) شراب

موارد اختلافی:

(۹) آبجو (۱۰) کافر (۱۱) عرق شتر نجاست حرام

مقلدین حضرات پاک است.

Scanned by CamScanner

۷۶/۸/۳ «به تعالی»

* بعد از ذبح شرعی مقدار خون باقیمانده در بدن حیوان حلال گوشت نجس نیست و پاک است، همراه گوشت حرام می‌شود.

* در حالت عادی خون پشه پاک است، ولی اگر پشه روی دست شما است و او را کشتید خون خارج شده نجس است.

* فراورده‌های لبنیاتی از حیوانات حلال گوشت در هر صورت پاک است حتی اگر غیرمسلمان ساخته باشد مگر اینکه بدانید دست کافر به آن خورده است.

* قاعدهٔ «کل شیء طاهر حتی تعلم انه قذر»:

همه چیز پاک است مگر اینکه بدانی نجس است. «اصل طهارت»

همه چیز پاک است مگر در مورد نجس بودن آن یقین و یقین دیگر حاصل شود، سپس شک باطل است.

«روح مجرد» زندگینامه سید هاشم حداد (از عرفای بزرگ)
از علامه محمدحسین تهرانی

شیء مایع است کشیده ← نجس است (حتی اگر جامد شود)
" جامد " " ← پاک است (حتی اگر مایع شود)

انواع کافر:

۱) منکر خدا ۲) منکر توحید ۳) منکر پیامبری حضرت رسول (ص)

۴) منکر ضروریات دین ۵) دشنام دهنده به ائمه

۷۶/۸/۴ «به تعالی»

نجاست — ذاتی (عین نجاست)
— عرضی (در اثر تماس با نجاست نجس شده است)

- ضروری دین چیزی است که انکار آن به انکار خدا یا پیامبر و یا نقض دین برگردد.

* شرط برقراری ارتباط مؤثر، با غیر شدن وجود رطوبت است.

۷۶/۸/۵

«بسمه تعالی»

* مطهرات:

① آب — مضاف — آب چاه
— مطلق — « جاری
— « باران
— « راکد — کر — قلیل

* مطلق — از آسمان می‌بارد — باران
— از زمین می‌جوشد — اگر حرکت کند — جاری
— اگر حرکت نکند — چاه
— بجوشد و نبارد — راکد

مثال: * اسم "قِسم" کلمه است * کلمه "مُقسَم" است. * اسم "قَسیم" فعل است (هم قسم)

* به کل این عمل "تقسیم" می‌گویند.

* اگر آب قلیل نجسی را در آب قلیل نجس دیگری بریزیم بگونه‌ای که آب کر حاصل شود و بعد طعم و مزه و رنگ آب معمولی را هم داشته باشد باز هم نجس باقی می‌ماند.

۷۶/۸/۶

«بسمه تعالی»

تطهیر اشیاء نجس — ظرف — کر: ۱ مرتبه
— قلیل: ۲ «
— غیر ظرف — به بول نجس شده — کر: ۱ مرتبه
— قلیل: ۲ «
— به غیر بول « « — کر: ۱ «
— قلیل: ۱ «

Scanned by CamScanner

* ظرف نجس شده با سگ : اول خاکمال — دوم — قلیل : ۲ مرتبه (احتیاط واجب)
کر : ۲ " (" ")

* " " " خوک : احتیاط خاکمال — وسط — قلیل : ۷ "
کر : ۷ " (احتیاط واجب)

* " " " شراب : ——— فقط — قلیل : ۴ " احتیاط ۷ مرتبه
کر : ۱ "

* به آب خارج شده از پارچه یا لباس نجسی که فشرده شده باشد غساله گویند.

* فقط در مورد آب باران احتیاج نیست که پارچه یا فرش فشرده شود.

تطهیر زمین
- کر : شرایطش در کتاب آمده
- قلیل :
  - زمین آب را جذب کند با آب قلیل پاک نمی‌شود
  - آب جاری می‌شود باید آب جاری کند تا پاک شود.

۷/۸/۷۶

باسمه تعالی

امتحان تا درس ۲

* زمین فقط با سه شرط می‌تواند کف پا یا کف کفش را پاک کند:

① زمین پاک باشد

② زمین خشک باشد

③ زمین پاک کننده باشد (آجر یا خاک یا شن یا ... باشد)

* آفتاب اینها را پاک نمی‌کند : ———

① زمین ② ساختمان و مانیها ③ درخت و گیاه

Scanned by CamScanner

* اگر موی را در آب و گل آفتاب بگذارند پاک نمی‌شود.

* شرایط مطهر بودن آفتاب:

① نجاست نباشد

② با تابش آفتاب خشک شود

③ مانعی در مقابل آفتاب نباشد (مگر نازک باشد)

④ آفتاب به تنهایی آن را خشک کند

⑤ هنگام تابش عین نجاست در آن نباشد

⑥ سطح شیء و درون شیء باهم خشک شود (در یک نوبت تابش آفتاب)

* شرایط استحاله:

① شیء نجس باشد

② تغییرات شدیدی در آن رخ دهد

③ شیء به پاکی بدل گردد. (مثلاً خوک بدل به نمک شود پاک میشه!)

* انتقال جزئی از بدن یک حیوان به حیوان دیگر که پاک باشد (یعنی حیوان دم خون جهنده نداشته باشد)
اگر آن جزء جزو بدن آن به حساب آید پاک می‌شود.

* اسلام هم می‌تواند کافر را پاک کند. "اسلام"

"بسمه تعالی"

۷۶/۸/۱۰

* استحاله: شیء نجس به واسطه پاک شدن چیز دیگری پاک شود.

* مخرج بول با یکبار شستن تطهیر می‌شود ولی احتیاط دو بار است.

* مخرج غائط با غیر آب پاک نمی‌شود ولی می‌توان با آن نماز خواند.

Scanned by CamScanner

۷۶/۱۱/۱۱ «بسمه تعالی»

- نماز
  - مستحب
  - واجب
    - یومیه: صبح، ظهر، عصر، مغرب، عشاء
    - متقطعی: آیات، طواف واجب، منت، قضای پدر، با نذر واجب شود

اوقات مخصوص:

صبح: از اذان صبح | تا طلوع آفتاب

ظهر: اذان ظهر | تا یک نماز ظهر خوانده شود (۱۰ دقیقه)

عصر: ۱۰ دقیقه قبل از مغرب (غروب خورشید) | مغرب (غروب خورشید)

مغرب: اذان مغرب | ۱۰ دقیقه بعد از اذان

عشاء: ۱۰ دقیقه قبل از نصف شب | نصف شب

اوقات مشترک:

ظهر و عصر: ۱۰ دقیقه بعد از اذان ظهر | ۱۰ دقیقه قبل از اذان مغرب (غروب خورشید)

مغرب و عشاء: ۱۰ دقیقه 〃 اذان مغرب | 〃 〃 〃 〃 نیمه شب

اوقات فضیلت:

صبح: اذان صبح | روشن شدن هوا

ظهر: 〃 ظهر | سایه شاخص به اندازه طول شاخص افزایش یابد

عصر: بعد از فضیلت ظهر | 〃 〃 دو برابر طولش شود

Scanned by CamScanner

«لَيْسَ لِلْأَمِينِ إِلَّا الْيَمِينُ» برای امین چیزی نیست مگر قسم خوردن متقی یا توریه کردن است.

مغرب: اذان مغرب تا ازین وقت موجود طرف مغرب

عشاء: بعد از فضیلت مغرب تا ثلث شب

[چرا سنی ها در نماز اینقدر منظم هستند؟ ما باید بتوانیم روی تابعیت تمام تکلیف را بر روی و بر تابع مکاتب خودشان پیروی کنند هر فرد تابع است / به نقل معروف ما از ابتدا کودکان را استقلال بار می آوریم و تکلیف می کنیم و این درست نیست، کودک باید تعبدی بزرگ شود و تربیت شود وقتی به اجتهاد رسید وقتی به علم رسید وقتی قدرت تفکر کامل یافت آنوقت اجازه استدلال به او داده شود، یعنی جوانان ما چقدر بی اعتقاد هستند چون خودشان اجازه داشتند در مسائل دینی تصرف کنند و توجیه بتراشند؟]

۷۶/۸/۱۲ بسمه تعالی

[ساعات رخصت (به صحیح وقت نمازی مرتبط نیست): ① از طلوع آفتاب تا اذان ظهر ② از غروب آفتاب تا اذان مغرب ③ از نیمه شب تا اذان صبح]

* عدول از نماز لاحق به سابق صحیح است ولی از سابق به لاحق صحیح نیست

حکم تبع است مثلاً: از عصر به ظهر برگشت نمی شود، از ظهر به عصر برگشت می شود، از قضا به ادا برگشت می شود، از ادا به قضا برگشت نمی شود.

* در بین نماز فهمید تازه وقت داخل شده، چون جهل وقت داشته نمازش صحیح است.

* " " " که وقت داخل نشده است نماز باطل است.

۷۶/۸/۱۷ بسمه تعالی

* خونهایی که کمتر از درهم آن هم موجب بطلان نماز است: خون زنان (سه گانه) و خون بینی

* اگر شغل کسی پرستاری نوزادان باشد و مدام لباس او نجس می شود، می تواند با لباس نجس نماز بخواند

* اگر مکان مباح باشد ولی سقف غصبی باشد نماز صحیح است.

مالکیت: مالک عین، مالک منفعت

مشروعیت: مشاع، اختصاصی